

سیاست خارجی ترکیه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

دکتر علی طاهرخانی^۱ - ندا ولی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۶

چکیده:

عراق و ترکیه از جهت اینکه هر دو از امپراتوری عثمانی بودند و هم اینکه هر دو دارای اقلیت کُرد هستند برای یکدیگر دارای اهمیتند. اما با بروز تحولات سیاسی جدید و ظهور انقلاب در ایران در سال ۱۹۷۹، زمینه ورود این دو کشور به مرحله جدیدی از روابط دو جانبه فراهم شد و در دوران جنگ ۸ ساله این روابط ادامه یافت. می‌توان گفت روابط ترکیه و عراق از زمان آغاز استقلال بر حسب ضرورت‌های راهبردی و نیازهای متقابل شکل گرفت. در این گزارش دنبال این هستیم که ترکیه در طی جنگ عراق با ایران چه موضعی را اتخاذ کرده و دلایل اتخاذ این مواضع چه بوده است. و دلایل اتخاذ این مواضع چه بوده است. در این گزارش فرضیه ما این است که ترکیه با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم در این دوران سیاست بی‌طرفی را اتخاذ نموده است و با روند طولانی‌تر شدن جنگ مواضع خود را تغییر داده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، عراق، ایران، سیاست خارجی، جنگ تحمیلی ایران

- استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تاکستان، قزوین
- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه:

عراق و ترکیه هر دو جزیی از امپراطوری عثمانی بودند، که دارای اقلیت‌های کرد هستند این امر، وضعیت داخلی هر کدام از این کشورها را برای دیگری مهم می‌سازد. عراق به دلیل وضعیت بد جغرافیایی، جهت ارتباط با جهان غرب و تجارت، به ترکیه نیاز دارد و ترکیه نیز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود و همچنین وضعیت ژئوپلیتیکی عراق نمی‌تواند نسبت به تحولات این کشور بی‌تفاوت باشد. کردهای عراق در شمال این کشور و در مناطق سلیمانیه، اربیل، کرکوک و دهوک سکونت دارند. متعاقب تجزیه عثمانی، این منطقه در زمره متصرفات بود که تحت قیمومت بریتانیا قرار گرفت. با تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، و علی‌رغم اعلام دولت جدید این کشور مبنی بر اینکه هیچ چشم‌داشتی به خاک دیگر کشورها ندارد، حاضر نبود از ادعای خود نسبت به مناطق موصل و کرکوک صرف نظر کند، مدعی بود که این مناطق کردنشین هستند و کردها را در واقع ترک می‌پنداشت. جنگ جهانی دوم و تحولات بین‌المللی و منطقه-ای، اعراب و ترک‌ها را به دو سوی مختلف سوق داد. در کشورهای عربی پیشرفته‌تر مانند مصر، سوریه و عراق، نخبگان جدید قدرت را قبضه کردند و در جهت برقراری روابط با اتحاد جماهیر شوروی حرکت کردند و تحت تأثیر افکار کمونیستی قرار گرفتند، این درحالی بود که ترکیه در جهات عکس آنها حرکت نموده و به عضویت ناتو درآمد. به این ترتیب، هنگامی که عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ در عراق نظام جمهوری را برقرار کرد، یکی از نخستین اقدامات خود، خروج این کشور از پیمان بغداد (سنتو)، اعلام کرد. تفاوت‌های عقیدتی میان زمامداران دو کشور، در دوران حاکمیت حزب بعث عراق نیز ادامه یافت، تنها هنگام بروز تحولات سیاسی جدید و ظهور انقلاب در ایران در سال ۱۹۷۹، بود که زمینه ورود این دو کشور به مرحله جدیدی از روابط دو جانبه فراهم شد.

(www.csr.ir) و در دوران جنگ ۸ ساله این روابط ادامه یافت. می‌توان گفت روابط ترکیه و عراق از زمان آغاز استقلال بر حسب ضرورت‌های راهبردی و نیازهای متقابل شکل گرفت، اولین عرصه همکاری که از تاریخ، جغرافیا و مشترکات اجتماعی دو کشور ناشی می‌شد، همکاری علیه گروه‌های تجزیه طلب گرد بود که وحدت ارضی دو کشور را در معرض تهدیدی جدی قرار داده بودند، دومین زمینه همکاری، برقراری روابط اقتصادی و تجاری بود که به خصوص در دهه ۱۹۷۰ به سرعت توسعه یافت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فرصت اقتصادی ویژه‌ای به ترکیه داد، سومین عامل همکاری، نیازهای نفتی ترکیه و نیاز عراق به آب بود، منابع غنی نفت عراق و آب ترکیه، کمبودهای دو کشور را برطرف می‌کرد. (www.siasi.porsemani.ir) در مورد مناسبات ایران و ترکیه؛ ایران و ترکیه تاریخ طولانی دارند. شالوده روابط دو کشور در عصر معاصر، توسط رضاشاه پهلوی، و طی دیدار وی از ترکیه در سال ۱۹۳۴، ریخته شد. در آن زمان رهبران هر دو کشور سرگرم مبارزه با سنت‌های تاریخی خود، استقرار نهادهای نوپا با هدف دستیابی به تمدن غرب بودند. دو کشور با غلبه بر پیشینه‌ای از جنگ و برخورد در حالی پا به سده بیستم میلادی گذاشتند که فصلی تازه از همکاری را با یکدیگر آغاز می‌کردند. در هنگام دیدار رضا شاه از ترکیه، دو دولت همسایه اهداف مشترک چندی داشتند. هر دو برای جدا ساختن دولت از سنت و دین تلاش می‌کردند. هر دو با تهدیدات خارجی و نیز داخلی گسترش نفوذ کمونیست‌ها روبرو بودند. این دلمشغولی‌ها زمنه ساز چندین موافقتنامه شد به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۷ مجموعه‌ای از موافقتنامه گمرکی، مرزی، بازرگانی، و امنیتی میان دو کشور به امضا رسید. گرچه این دوره تنش‌های خاص خود را داشت ولی حسن نیت حاصل از مناسبات تازه بر فضا حاکم بود و سرانجام در سال ۱۹۳۷ که عقد پیمان سعدآباد در تهران میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منجر شد. اما رویدادهای جنگ جهانی دوم

عدم کارایی این پیمان را ثابت کرد. تاریخچه مناسبات ایران و ترکیه در طول سده بیستم نشان می‌دهد که این روابط گاهی با دشواری‌هایی همراه نیز همراه بوده است. برای نمونه، در سال ۱۹۲۷ ارتش ترکیه در تعقیب شورشیان گرد آن کشور، وارد خاک ایران شد اما برخلاف انتظار ستونی از سربازان گرد به اسارت کردها، درآمدند. دولت ترکیه به گمان اینکه سربازان به تهران انتقال یافته‌اند و در بازداشت دولت ایران هستند سفیر خود را از تهران فراخواند. تنش میان دو کشور بالا گرفت تا آن که با توضیحات دولت ایران بحران فروکش کرد، در طول دوران سلطنت محمدرضا پهلوی ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹ نیز روابط ایران و ترکیه دستخوش تنش‌هایی بنیادی بود. در میان دهه ۱۹۵۰، تجدید روابط سیاسی به آهستگی رو به جلو بود، بیشتر به خاطر رویدادهای داخلی ایران بود. در نیمه دوم ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی برخی مسائل موجب تنش شد من جمله زبان انتقادی مطبوعات ترکیه نسبت به شاه ایران، اظهار نارضایتی دولت‌های بعد از ۱۹۶۳ ترکیه در رابط با سنتو، حمایت حزب چپ ترکیه از دانشجویان ناراضی ایرانی که در ترکیه زندگی می‌کردند، آشفتگی و هراس ترکیه از حمایت‌های شاه ایران از کردهای عراق، افزایش رابطه عراق و ترکیه در زمان تنش میان ایران و عراق، محدودیت رابطه ترکیه و ایران را به دنبال داشت «البته ترکیه خوهان میانجیگری بین ایران و عراق بر سر مسئله اروندرود شد». (چتین سایا و اطهری، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۶) اما به طور کلی از نظر تهران تبلیغات آنکارا به نفع ملت‌گرایی ترک راهی برای ایستادگی در برابر تهدید شوروی بود. رژیم ایران از ملت‌گرایی ایرانی استفاده تدافعی می‌کرد. هر چند تهران با اعتقاد بر این که در مواقع بحرانی نمی‌توان بر روی ترکیه حساب کرد که به حافظه تاریخی ایران از ناکارآمدی پیمان سعدآباد در زمان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بود، گهگاه دچار نگرانی می‌شد ولی دو کشور پیوسته در جهت کاستن از تنش‌ها از طریق مذاکره تلاش می‌کرد. کشور ترکیه همانطور که گفته شده بهره چندانی از منابع نفتی

ندارد، بعد از شوک نفتی ۱۹۷۳ و افزایش چند برابری قیمت نفت ترکیه گرفتار کمبود ارز شده و در همان زمان این کشور دچار دگرگونی بزرگی از جمله آشفتگی‌های داخلی و به قدرت رسیدن نظامین را تجربه می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، مناسبات ایران و ترکیه وارد فاز جدیدی شد. هدف این انقلاب تأثیر گذاشتن بر جهان اسلام و رهبری آن بود، ترکیه با سمت‌گیری غیر مذهبی خود سر آن داست تا از میراث آتاتورک مومن بماند. تباین جهان‌بینی دو کشور روابط آنها را دچار دشواری‌هایی می‌ساخت. جمهوری اسلامی ایران در چشم عناصر مذهبی ترکیه تا حدودی جذابیت داشت اما باید بگوییم که جنبش‌های مذهبی ترکیه تحت تأثیر مستقیم ایران نیستند، اما روزنامه‌های ترکیه مدعی‌اند که جنبش‌های مذهبی داخلی آن کشور دست ساخته ایران است. عمده‌ترین مسائل تنش‌زا در مناسبات ایران و ترکیه پس از پیروزی انقلاب جدا از رویکردهای متفاوت به مذهب، ریش‌های دیگری از جمله مسئله کره‌ها، فعالیت‌های ایرانیان مهاجر در ترکیه بوده است. با وجود اختلافات، دو کشور برای همکاری راه‌هایی مانند تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اگو) پیدا کرده‌اند. (پهلوان، ۱۳۷۷: ۲۶-۲۸)

تاریخچه‌ای از روابط ترکیه با کشورهای همسایه خود که در طی سال‌های ۸۱-۸۹ وارد جنگ شده بودند را مرور کردیم. ترکیه یکی از بازیگران مهم از نظر ژئوپلیتیکی است زیرا که دروازه ورود به اروپا برای هر دوی کشورها محسوب می‌شود، و داشتن مرز مشترک با طرفین جنگ. ایران و عراق برای اطمینان از مرزهای خود، خواهان روابط دوستانه با ترکیه بودند. مواضع ترکیه در قبال جنگ، برای هر سه این کشورها مهم تلقی می‌شود. در این گزارش دنبال این هستیم که ترکیه در طی جنگ عراق با ایران چه موضعی را اتخاذ کرده و دلایل اتخاذ این مواضع چه بوده است. در این گزارش فرضیه ما این است که ترکیه با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم در این دوران سیاست

بی‌طرفی را اتخاذ نموده است و با روند طولانی‌تر شدن جنگ مواضع خود را تغییر داده است. روش تحقیق در این گزارش به صورت توصیفی-تحلیلی است و از داده‌های کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی استفاده شده است. در مورد پیشینه پژوهش (ادبیات موضوعی) می‌توانم به مقالات ذیل اشاره کنم:

مقاله مناسبات ایران و ترکیه به قلم دکتر چنگیز پهلوان و ترجمه علیرضا طیب؛ که روابط ایران و ترکیه توضیح داده است، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، مسئله کره‌ها، و رویکرد ترکیه و ایران در آسیای مرکزی.

ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه، گوکهان چتین سایا و سید اسدالله اطهری؛ بررسی فراز و نشیب‌های روابط ایران و ترکیه از دید نخبگان سیاسی و نظامی که از دیرباز رقابت و همکاری بین این دو کشور وجود داشته. در زمان انقلاب منافع اقتصادی به عنوان عامل همسو کننده عمل کرده ولی مسائل ایدئولوژیک باعث اختلاف شده و اینکه روابط ایران و ترکیه بیشتر متأثر از واقعیت‌های تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و راهبردی بوده است.

بررسی مواضع ترکیه نسبت به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نوشته سکینه فرج زاده؛ طرفین درگیر در جنگ، برای اطمینان از مرزهای خود با ترکیه به برقراری روابط دوستانه با این کشور علاقمند بودند از طرف دیگر مشکلات سیاسی و اقتصادی ترکیه، باعث شد این کشور برای بهبود اوضاع اقتصادی خود به این علاقه عراق و ایران جواب مثبت دهد و با اعلام بی‌طرفی در جنگ، ارتباط اقتصادی با دو کشور خود گسترش دهد.

در ادامه بحث در مورد اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود کشور ترکیه، روابط این کشور با طرفیت جنگ در دوره ۸ ساله جنگ، و دلایل اخذ سیاست‌های خود در قبال جنگ سخن خواهم گفت.

اوضاع سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی ترکیه

سیاسی: تأسیس ترکیه در اکتبر ۱۹۲۳ توسط مصطفی کمال پاشا ملقب با آتاتورک رسماً اعلام شد. در مدت چهارده سال حکومت وی، تغییرات و اصلاحات زیادی انجام شد، آتاتورک با اتخاذ سیاست‌های غیر دینی و از بین بردن مناصب رسمی دینی، مقررات جدیدی را در مورد سبک پوشش وضع کرد. در سال ۱۹۲۸ با تفکیک دین از سیاست، رسمیت دین اسلام را لغو و الفبای لاتین را جایگزین الفبای عربی کرد. در سال ۱۹۳۴ در ترکیه به زنان آزادی و حق رأی دادند. سیاست خارجی وی بر حفظ و گسترش روابط دوستانه با همسایگانش مبتنی بود. با مرگ آتاتورک در سال ۱۹۳۸، تغییراتی در وضعیت حکومت ترکیه ایجاد شد و عصمت اینونو رهبر حزب جمهوریخواه خلق به ریاست جمهوری رسید. در ۵ سال جنگ جهانی دوم طی سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۴ ترکیه تلاش کرد بی‌طرفی خود را حفظ کند اما فشار متفقین باعث شد این کشور در ژانویه سال ۱۹۴۵ علیه آلمان و ژاپن اعلام جنگ کند. در انتخابات سال ۱۹۵۰ عصمت اینونو شکست خورده و جلال بایار رهبر حزب دموکرات به ریاست جمهوری رسید و عدنان مندرس نیز نخست وزیر شد. در دهه ۶۰ میلادی، این کشور در راستای حفظ و تحقق منافع ملی در برخی از پیمان‌های نظامی و امنیتی وارد شد. در نوامبر سال ۱۹۵۷ جلال بایر و دنان مندرس در مقام‌ها خود ابقا شدند. استبداد و فساد حکومت در سال ۱۹۶۰ به اوج خود رسید و تمام آزادی‌ها از بین رفت و ترور شدت گرفت. در ماه مه سال ۱۹۶۰ ژنرال جمال گورسل به کودتا اقدام کرد. از آن زمان تاکنون

همیشه نظامیان با حساسیت‌های ویژه‌ای مراقب انحراف سیاستمداران از نظام سیاسی لائیک این کشور بوده و هستند. پس از آن، ژنرال کنعان اورن، در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ با کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. این کودتا، موجی از سرکوب علیه گروه‌های کارگری و مخالفان جناح چپ حاکم بر ترکیه به همراه داشت. در دولت نظامی دیگر مشکل تأیید و نظارت پارلمان بر تصمیمات و اقدامات وجود نداشت.

اقتصادی: در طول سال‌های ۱۹۷۴ الی ۱۹۷۷ افزایش قیمت نفت در جهان، تورم، بحران اقتصادی و رشد بیکاری در صنایع کشورها، اثرات نامطلوب و مخربی بر اقتصاد ترکیه بر جای گذاشت عوامل متعدد داخلی و خارجی در آشفتگی وضعیت بازرگانی، و موازنه پرداخت‌ها این کشور دخالت داشت. با پایان سال ۱۹۷۷ اقتصاد ترکیه با کمبود ارز خارجی، کسری موازنه پرداخت شدید، بار سنگین وام‌های کوتاه مدت خارجی، تورم روز افزون، کسری شدید بودجه بخش دولتی و رشد آرام ولی فزاینده بیکاری مواجه بود. در ژانوی ۱۹۸۰، اصلاحات اقتصادی بیشتری در جهت تغییرات زیر بنایی در اقتصاد ترکیه، مبنی بر عدم دخالت مستقیم ترکیه و بسنده کردن به کنترل دولتی و تکیه نمودن بر نیروی بازار پیشنهاد گردید. برنامه فوق تا قبل از کودتا اورن به اجرا در نیامد و بعد از کودتا که رهبران نظامی در جهت حل مشکلات سیاسی و اقتصادی بر اجرا و اعمال آن نظارت نمودند. دولت نظامی پس از روی کار آمدن تلاش کرد روابط اقتصادی خود را با کشورهای منطقه و خصوصا کشورهای اسلامی، که از بنیه مالی قوی برخوردار بودند، گسترش دهد و در این زمینه تا حد زیادی موفق بود. در این راستا، تحریم‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط کشورهای غربی، فرصتی به ترکیه داد تا در این تحریم‌ها شرکت نکرده و مبادلات اقتصادی خود با دولت ایران را توسعه دهد و از سوی

دیگر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بهترین فرصت را برای افزایش صادرات ترکیه به هر دو کشور درگیر فراهم کرد.

اجتماعی: می‌توان گفت؛ برای سیاستمداران لائیک ترکیه، اسلام‌گرایی یکی از مهمترین بحران‌های اجتماعی محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران با اوج بحران سیاسی و اجتماعی در ترکیه مصادف شد، انقلاب ایران به عنوان نمادی از پیروزی بر نظام غرب‌گرایان در نظر گرفته می‌شد. یکی دیگر از بحران‌های اجتماعی در ترکیه، بحران ناسیونالیسم کردی بود. حفظ تمامیت ارضی آناتولی به منزله سرزمین ترک‌ها یکی از اصول اساسی تفکرات آتاتورک بود. (فرج‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۰) حرکت‌های استقلال‌طلبانه کردهای ترکیه مهمترین نگرانی این کشور در این باره بود، انقلاب اسلامی ایران، به دنبال آن جنگ عراق با ایران و بروز ناامنی در این کشور، ترس ترکیه از احتمال تجزیه و گسترش ناسیونالیسم کردی در ترکیه را افزایش داد. در طول جنگ، دغدغه اصلی ترکیه در ارتباط با ناسیونالیسم کردی بیش از ایران متوجه شمال عراق بود و شمال عراق تهدید جدی تری محسوب می‌شد و ترکیه تلاش داشت از گسترش جنگ در مناطق شمال عراق جلوگیری به عمل بیاورد و زمانی که احتمال داد که جنگ در شمال عراق گسترش یافته از خود عکس‌العمل نشان داد. (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۵۳)

روابط ترکیه با طرفین جنگ

روابط ترکیه با عراق: جنگ عراق با ایران، دقیقا ۱۰ روز بعد از وقوع کودتای نظامی در ترکیه آغاز شد و در این بین، هیئت‌هایی از عراق به ترکیه رفته، قراردادهای اقتصادی و ترانزیتی با آن کشور امضا کردند. روابط سیاسی ترکیه با عراق که قبل از جنگ با ملاحظاتی برخوردار بود، همزمان با شروع جنگ و تداوم آن به حد مطلوبی رسید.

همانطور که قبلاً گفته شده سه مسئله مشترک در روابط ترکیه و عراق وجود دارد، استقلال خواهی کردها، منافع نفتی مشترک و عبور خط لوله نفتی عراق از ترکیه و مسئله آب رودخانه‌های مشترک. با نگاهی به گذشته روابط دو کشور مشخص می‌شود روابط ترکیه با عراق به نسبت سایر کشورهای عربی، مثبت بوده است و این به موضع‌گیری طرفین در مسائل مختلف مربوط می‌شود، در جریان اشغال قبرس، عراق از ترکیه در مقابل یونان حمایت کرد، در مقابل در جریان کمک آمریکا به اسرائیل اجازه استفاده از طریق پایگاه‌هایش را نداد. اگر چه تا قبل از شروع جنگ، روابط دو کشور در سایه مسائلی چون روابط خاص با ابرقدرت‌ها، تهدید ترکیه به استفاده از حربه آب، بروز درگیری‌های مرزی و... در کنار مشکلات تاریخی فی مابین، دارای نوساناتی بود اما با آغاز جنگ، اوضاع تغییر یافت. ترکیه که قبل از جنگ بارها از پذیرفتن وزیر انرژی عراق امتناع کرده بود، با شروع جنگ او را پذیرفت و چند قرارداد همکاری اقتصادی بین دو کشور امضاء شد. همچنین در این برهه، چندین قرارداد بازرگانی و ترانزیت دیگر نیز منعقد گردید. (لاستجردی، ۱۳۸۰: ۲۳۴-۲۳۵) اهمیت ارتباط عراق با ترکیه زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که به یاد داشته باشیم که در سال ۱۳۶۱، سوریه به طرفداری از ایران، خط لوله نفتی را که نفت عراق را منتقل می‌کرد، قطع نمود و عراق تنها از طریق خاک ترکیه قادر به صدور نفت خود بود. (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۶۲) احداث خط لوله انتقال نفت عراق به بندر سیحوت (جیحان) در ترکیه، به دنبال بسته شدن خطوط انتقال نفت این کشور از طریق سوریه و بندر بانیا و نیز توافق بغداد_انکارا در اواسط دهه ۱۹۸۰، در زمینه حضور نیروهای نظامی ترکیه تا عمق ۱۰ کیلومتری بخش شمالی عراق و سرکوب فعالیت‌های اکراد (موسوم به طرح تعقیب گرم)، از مصادیق عمده همکاری میان دو کشور به شمار می‌آید، علاوه بر این در دوران جنگ ایران و عراق، ترکیه به صورت یک راه انتقالی مهم برای نفت و سایر کالاهای عراق به خارج از آن کشور بود، در مارس

۱۹۸۲، یک قرارداد تجاری به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار بین دو کشور امضاء گردید و پس از این دوره رفت و آمد هیئت‌های سیاسی و اقتصادی به دو کشور افزایش یافت و در عرض دو سال، بیش از ده سفر به دو کشور صورت گرفت، در نهایت می‌توان این دوره را علی‌رغم برخی اختلافات بر سر نحوه انتقال آب رودخانه‌های دجله و فرات از ترکیه به عراق، عصر طلایی روابط دو کشور در دوران معاصر تلقی کرد. (www.csr.ir)

روابط ترکیه با ایران: از زمان پیروزی انقلاب در ایران، روابط ایران و ترکیه دارای فراز و فرودهایی بوده است. پس از پیروزی انقلاب، روابط اقتصادی دو کشور به دلیل تفاوت‌های اصولی در مواضع دو دولت با رکود مواجه شد، اما پس از تسخیر سفارت آمریکا، ایران از طرف آمریکا و متحدانش در محاصره اقتصادی قرار گرفت، به دلیل عدم شرکت ترکیه در تحریم‌ها، روابط دو کشور تا حدودی بهبود یافت. (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۶۲) در ۱۲ مه ۱۹۸۰، موافقتنامه‌ای بین دو کشور در زمینه حمل و نقل زمینی امضاء گردید و به موجب آن مقرر شد هر سال کمیسیون مشترک حمل و نقل به طور نوبتی در دو کشور برقرار گردد، با امضاء سند ترتیبات بانکی بین بانک‌های مرکزی دو کشور در سال ۱۹۸۰، فصل جدیدی از روابط اقتصادی دو کشور گشوده شد و موافقت گردید علاوه بر حساب آ. سی. دی که بعداً به نام اکو تغییر یافت، یک حساب مخصوص به نام یکدیگر افتتاح نمایند و خرید نفت توسط ترکیه و پرداخت‌های مازاد بر مبادلات آ. سی. دی از طریق این حساب تسویه گردد. طرفین همچنین اعتباری به میزان ۲۰۰ میلیون دلار در چارچوب حساب مخصوص به یکدیگر اعطاء نمودند. در این راستا، با موافقت بانک مرکزی ترکیه، قرار شد، پرداخت‌های مربوط به خدمات نیز از طریق حساب مخصوص تسویه گردد. (لاسجردی، ۱۳۸۰: ۲۳۸) با آغاز جنگ تحمیلی و با توجه به تداوم محاصره اقتصادی، ایران توسط بلوک غرب، مبادلات اقتصادی ایران از ترکیه در سال ۱۳۵۹ به

۱۲۷ میلیون دلار حدود ده برابر سال ۱۳۵۷ رسید. در تاریخ ۲۸ فروردین سال ۱۳۶۰ بر حسب پیشنهاد ترکیه، وزیر بازرگانی این کشور در رأس هیئتی به ایران آمد، برحسب مذاکرات انجام شده با وزیر بازرگانی ایران، یادداشت تفاهمی مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۱ به امضاء رسید، که به موجب آن واردات ایران از ترکیه در سال ۱۳۶۰ به ۳۴۷ میلیون دلار رسید و میزان نفت صادراتی ایران به ترکیه نیز، معادل ۳/۵ میلیون تن شد. واردات ایران از ترکیه، در سال ۱۳۶۱ به ۸۹۵ میلیون دلار افزایش یافت. گسترش روابط تجاری دو کشور با استقبال زیاد بخش خصوصی و دولتی ترکیه مواجه گردید. (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۶۲) با افزایش مبادلات تجاری بین دو کشور، کمیسیون مشترک اقتصادی تشکیل شد. دوره دوم روابط اقتصادی دو کشور از ابتدای سال ۱۹۸۶ (اواخر سال ۱۳۶۵) آغاز گردید، در این سال به دلیل نوسانات قیمت نفت در بازار جهانی، صادرات نفت به ترکیه قطع شد و در نتیجه آن واردات از این کشور کاهش پیدا کرد. با توافقاتی که بین دو کشور صورت گرفت، گشایش اعتبار لازم برای خرید نفت از ایران مبادرت نمود، اما هنوز در خصوص صادرات کالاهای غیر نفتی اقدام خاصی صورت نگرفت. در سال ۱۹۸۷، وزیر نفت ایران به ترکیه سفری داشتن که علاوه بر تعیین قیمت نفت، در خصوص فروش ۶ میلیون تن نفت خام به ترکیه، برای سال ۱۹۸۷ توافق شد و بدین ترتیب مبادلات دو کشور از سر گرفته شد، پس از این توافق، روابط دوستانه دو کشور سطح بالاتری از رشد را تجربه کرد. (همان، ۶۳)

مواضع ترکیه نسبت به جنگ عراق با ایران

همانطور که گفته شد شروع جنگ تحمیلی، ده روز بعد از کودتای کنعان اورن در ترکیه بود. اورن رهبر کودتا اعلام کرد. برنامه حکومت جدید، توسعه روابط با کشورهای اسلامی و همکاری و توسعه مناسبات دوستانه با همسایگان خواهد بود. هرچند با موضع-

گیری اولیه مقامات ایرانی در قبال دولت نظامی ترکیه، احتمال کاهش روابط بین دو کشور وجود داشت؛ با وجود امضای قراردادهای اقتصادی و ترانزیتی ترکیه با عراق در آغاز جنگ، مقامات ترکیه طی بیانیه‌هایی بی طرفی خود را برای توسعه روابط اقتصادی و تسهیلات ترانزیتی با دو کشور درگیر در جنگ اعلام، داشتند.

در خصوص علل اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی ترکیه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کشور ترکیه، به دلیل ضعف نظامی و تلاش برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود، در جنگها سیاست بیطرفی را اتخاذ می‌نماید. اتخاذ این سیاست یک رویکرد دیرینه برای ترکیه محسوب می‌شود.

- همسایگی و همجواری ترکیه با طرفین جنگ برای ترکیه امتیازاتی را در بر داشت. موقعیت ژئواستراتژیک ترکیه و اهمیت حضور و تأثیر حمایت او از یکی از طرفین به حدی بود که اتخاذ موضع بی طرفی می‌توانست به انعطاف طرفین نسبت به خواسته‌های ترکیه، منجر شود و روابط دوستانه با ترکیه برای دو طرف، مرزهای امنی را از طرف ترکیه ایجاد می‌کرد.

- مهمترین فاکتور برای ترکیه در گزینش سیاست بی‌طرفی را می‌توان توسعه روابط اقتصادی و تجاری با طرفین جنگ ذکر کرد. زیرا زیربنای روابط ترکیه بر این اساس برنامه‌ریزی شده بود و تلاش داشت ضمن حفظ بی‌طرفی، بیشترین بهره‌برداری اقتصادی را در جهت اصلاح و ترمیم نظام اقتصادی خویش بنماید.

- ترکیه برای حفظ ثبات داخلی‌اش، با پیروی از سیاست صبر و انتظار به اتخاذ سیاست بی‌طرفی روی آورد. ترس از گسترش اسلام‌گرایی و تأثیر انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایان ترکیه و اوضاع امنیتی و اقتصادی و کشمکش‌های سیاسی نیروهای داخلی، موجب شد اقدامات مخاطره آمیزی در طول جنگ انجام ندهد و بی‌طرف بماند.

- ترکیه برای تقویت نقش منطقه‌ای و جهانی و افزایش حیثیت خود، سعی می‌کرد، مواضع طرفین را به یکدیگر نزدیک کند و بر ترک مخاصمه و پایان جنگ تأکید می‌کرد. ترکیه بدین ترتیب برای خود یک موضع میانجی‌گرایانه نیز در نظر می‌گرفت. موقعیت ممتاز این کشور در ارتباط با هر دو طرف درگیر و برخورداری از امکانات بالقوه حل و فصل اختلافات، نقش موثری در ایفای این نقش داشت. ایفای چنین نقشی، بر اعتبار ترکیه در میان کشورهای منطقه و حتی کشورهای منطقه و حتی کشورهای غربی و عضو ناتو، می‌افزود. (لاسجودی، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۴۵)

از موارد فعالیت‌های میانجی‌گری در خصوص مبادله اسراء دو طرف اشاره کرد. جمعیت هلال احمر ترکیه با همکاری صلیب سرخ جهانی، اقداماتی را برای مبادله اسراء انجام داد. همچنین نخست وزیر و وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به تهران در مرداد ۱۳۶۱، پیشنهاد کردند که برای پرداخت غرامت به ایران یک صندوق اسلامی تأسیس شود که مورد پذیرش مقامات ایرانی قرار نگرفت. یکی دیگر از اقدامات ترکیه در ۲۲ اسفند ۱۳۶۶، تلاش برای پایان دادن به جنگ شهرها بود. در این راستا، میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت ایران اعلام کرد در صورت توقف کامل حمل هوایی و موشکی از سوی عراق، ایران نیز حملات خود را متوقف خواهد کرد. اقدام دیگر ترکیه به ماجرای گروگانگیری هواپیمای آمریکایی تی. دبلیو. ای (T.W.A) مربوط می‌شود. در این حادثه نخست وزیر ترکیه به همراه دبیرکل سازمان ملل و نخست وزیر ژاپن، از ایران خواستند

تا از نفوذ خود در لبنان استفاده کرده برای آزادی گروگان‌های آمریکایی مداخله نماید که ایران نیز این درخواست را پذیرفت. همچنین دولت ترکیه سعی نمود در قالب سازمان‌های همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد، اقدامات میانجیگرانه انجام دهد که با شکست روبرو شد. (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۴) از دلایلی که می‌توان برای اتخاذ میانجیگری توسط ترکیه اشاره کرد عبارتند از: همسایگی و قرابت جغرافیایی با طرفین جنگ، ترس ناشی از عواقب و خطرهای جنگ، تقویت موقعیت و اعتبار منطقه‌ای و بین-المللی بعلاوه عراق به کرات از ترکیه درخواست کرده بود این کشور در جنگ وساطت کند. (همان) علت دیگری که موجب شد ترکیه فعالیت‌های میانجیگرانه خود را شدت بخشد، به گسترش حضور قدرت‌های خارجی در خلیج فارس مربوط می‌شود که بعد از جنگ نفتکش‌ها بود، ترکیه نگران بود دخالت مستقیم قدرت‌های بزرگ در جنگ نفتکش‌ها، باعث تغییر موازنه به نفع یکی از طرفین جنگ و در نتیجه کم رنگ شدن نقش متوازن کننده ترکیه شود. در همین راستا بود که کان دمیر، قائم مقام وزارت خارجه ترکیه، در پیامی که از طرف تورگوت اوزال به نخست وزیر ایران تقدیم کرد، اظهار داشت: "مسئله خلیج فارس مربوط به کشورهای منطقه است و باید توسط خود آنها و دور از اعمال فشار خارجی حل شود. قدرت‌های بزرگ خارجی نباید در خلیج فارس دخالت کنند و کشتی‌های جنگی نیز باید منطقه را ترک کنند." (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۵۶)

در سال‌های پایانی جنگ، موضع ترکیه از بی‌طرفی به مداخله محدود در جنگ تغییر یافت علت این امر را می‌توان در بحرانی دانست که ترکیه سال‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. ناسیونالیسم کردی در جریان جنگ عراق با ایران تقویت شد. این نگرانی ترکیه را می‌توان در پرسش خبرنگار ترکیه در مصاحبه با محسن رفیق دوست، وزیر سپاه، در

اسفند ۱۳۶۶ مشاهده کرد، این خبرنگار سوال کرد: "چنانکه اکراد در مرز ایران علیه ترکیه فعالیت کنند ایران به آنها اجازه فعالیت خواهد داد؟" رفیق دوست در پاسخ گفت: "ما چنین اجازه‌ای نخواهیم داد و در معاهداتمان با کشورهای همسایه برخورد صادقانه داریم." (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۶۵) با این که ایران در رابطه با اکراد به ترکیه اطمینان می‌داد، اما این امر مانع از هراس ترکیه نشد. لذا با پیشروی ایران در شمال عراق، شورای امنیت ملی ترکیه در ۹ استان خود، حالت فوق العاده اعلام کرد. می‌توان گفت با توجه به همکاری کردهای عراق با ایران این ترس ترکیه چندان هم بیجا نبود. ترکیه شاهد قدرت‌یابی کردهای عراق در مرزهای جنوبی خود بود و برای ورود به عراق و سرکوب کردها با عراق به توافق رسید. ترکیه وارد شمال عراق شد که در این مورد ترکیه و عراق در سرکوب کردها، اهداف مشترک و دو جانبه داشتند. از این توجیهات حمله ترکیه می‌توان فهمید که مناطق نفت خیز شمال عراق نیز اهمیت یافته بود و نباید دست ایران می‌افتاد. با افزایش فعالیت‌های نظامی ایران در جبهه‌های شمالی و دستیابی به مناطقی از شمال عراق، بر نگرانی مقامات ترکیه افزوده شد. با توجه به تسلط ایران بر مناطق نزدیک خط لوله نفت عراق به ترکیه و اهمیت استراتژیک این خط لوله برای اقتصاد ترکیه، این اقدام ایران با واکنش فوری دولت آنکارا مواجه شد. ترکیه با اعلام این که ناآرامی این مناطق ممکن است باعث تجمع چریک‌ها توسط ارتش ترکیه در عراق شود به و رویارویی آنها با نیروهای ایرانی منجر شود به این مسئله واکنش نشان داد. البته برای مداخله نظامی ترکیه در شمال عراق می‌توان عوامل دیگری را نیز برشمرد:

- حوزه نفتی کرکوک، مقدار زیادی از نیاز نفتی ترکیه را فراهم می‌کرد لذا عملیات نظامی آن کشور در شمال عراق به منزله هشدار علیه ایران بود تا از توسعه دامنه فعالیت خود به این منطقه بکاهد.

- ضعف روز افزون عراق در کنترل مرزها دلیل بعدی بود. ترکیه که برهم خوردن توازن قوا و پیروزی یکی از طرفین به ضرر امنیت خود می‌دید تلاش داشته به گونه‌ای عمل کند که جنگ برنده‌ای نداشته باشد. پس در برابر ضعف نیروهای عراق که توان مقابله با کردها و ایران را نداشت، ترکیه به مداخله نظامی روی آورد.

- ادعای ارضی ترکیه به شمال عراق و ترس از تصرف این مناطق توسط ایران بود که ترکیه را به اقدام نظامی وادار می‌کرد. ترکیه نسبت به مناطق موصل و کرکوک که توسط فرانسه و انگلستان پس از جنگ جهانی اول از ترکیه جدا شدند ادعای ارضی داشت و جنگ را فرصتی می‌دانست که در صورت به هم خوردن توازن قوا در منطقه، این مناطق را تصرف کند، همچنین ذخایر نفتی قابل توجهی در این مناطق وجود داشت و بخش عمده‌ای از نفت عراق از این مناطق استخراج می‌شود، این مسئله نیز بر اهمیت منطقه شمال عراق می‌افزود.

- تشویق‌های آمریکا و ناتو نیز عامل دیگری برای مداخله نظامی ترکیه بود. منافع غرب در مناطق نفتی باعث می‌شد آنها به دنبال حفظ این نواحی از تبعات جنگ باشند. بنابراین ترکیه با حمایت غرب وارد این منطقه شد. (لاسجودی، ۱۳۸۰: ۲۵۳-۲۵۸)

نتیجه‌گیری:

با توجه به متن فوق می‌توان گفت جنگ عراق با ایران، برای ترکیه هم تهدید و هم فرصت بود؛ تهدید از آن جهت که با طرفین جنگ مرز طولانی و مشترک داشت و احتمال گسترش جنگ می‌توانست، برای این کشور که با تهدید عدم ثبات داخلی و مسئله ناسیونالیسم کردی مواجه بود، خطر آفرین باشد، و فرصت به دلیل این که می-

توانست از قبل این جنگ منافع اقتصادی زیادی به دست آورد زیرا ایران و عراق به ثبات در مرزهای خود با این کشور نیاز داشتند و این مسئله اهرم فشاری برای ترکیه تبدیل شد این دو کشور در مقابل خواسته‌های ترکیه انعطاف بیشتری نشان دهند. ترکیه با اتخاذ سیاست سنتی به طرفی خود، با هر دو طرف تخصم روابط اقتصادی برقرار کرد و از این طریق به انباشت سرمایه در کشور خود پرداخت، و با طولانی تر شدن جنگ به دنبال نقش میانجیگری افتاد تا بتواند برای خود در منطقه پرستیژی به دست آورد و اقداماتی نیز انجام داد و در نهایت با پیشروی ایران در شمال عراق و همکاری اکراد با ایران، زنگ خطری برای ترکیه بود که ترکیه برای حفظ ثبات سیاسی خود و به بهانه مبارزه با اکراد شمال عراق وارد این کشور شد و به مداخله نظامی اندک پرداخت، در واقع می‌توان سیاست خارجی ترکیه نسبت به جنگ ۸ ساله شامل بی‌طرفی فعال، میانجیگری و مداخله نظامی دانست که بر حسب منافع ملی این کشور است. در واقع سیاست خارجی ترکیه نسبت به جنگ در ادامه سیاست داخلی این کشور بوده است.

منابع:

مقالات

- اسدالله اطهری، سایا چتین و گوکهان، تابستان و پاییز (۱۳۸۵)، ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره دوم و سوم، ۱۳۸۵، صفحات ۱۱۹-۱۴۴
- پهلوان، جنگیز (۱۳۷۷)، مناسبات ایران و ترکیه، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۳-۱۳۴، صفحات ۲۶-۳۹
- فرج زاده، سکینه، زمستان (۱۳۸۹)، بررسی مواضع ترکیه نسبت به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فصلنامه نگین ایران، سال نهم، شماره ۳۵، ۵۷-۶۸
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۱)، دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگین ایران، شماره ۱، صفحات ۴۹-۵۹
- لاسجودی، حسن (۱۳۸۰)، نقش و مواضع ترکیه در جنگ ایران و عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، جاد هشتم، صفحات ۲۲۷-۲۶۷

سایت

- فلاح، رحمت الله، ۲۳ آذر (۱۳۹۴)، تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق، قابل مشاهده در:

<http://www.siasi.porsemani.ir/content>

- نقدی نژاد، حسن، ۱۰ آذر (۱۳۹۴)، فرصت استثنایی؛ مداخله ترکیه در شمال عراق، معاونت پژوهش‌های خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، قابل مشاهده در:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=06&&depid=44&semid=1378>

- پشنگ، اردشیر، ۱۰ آذر (۱۳۹۴)، بررسی ریشه‌های تنش در روابط عراق و ترکیه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.